

آیا آقایان رد صلاحیت را در حق رقیب روا و در حق خود جفا می‌پندارند یا اینکه در تایید صلاحیت نامزد خود به اطمینان رسیده اند؟

با تبریک نوروز سراسر نور باستانی؛



به گزارش اسپادانا خبر، متن کامل این نامه به شرح زیر است:

به نام خدای زیبا و مهربان

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی

ریاست محترم اسبق جمهوری اسلامی ایران

با سلام و احترام

در آستانه انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری و در پی اعلام نامزدی برادر عزیزم جناب آقای حمید بقایی، برخی اظهارنظرها که بیشتر به واکنشی عجولانه شبیه بود، مرا بر آن داشت تا با تحریر این سطور، خاطر عالی را به نکاتی چند جلب نمایم و پیشاپیش از این تصدیع پوزش می‌خواهم.

اظهارنظرها که عمدتاً بر «برنتافتن» اعلام نامزدی ایشان معطوف بود موجب تعجب و ایضا ملال گردید؛ چه از سوی افرادی انجام شد که همگی از اهالی فن سیاست، دارای تحصیلات و مدارج عالیه دانشگاهی یا حوزوی، صاحب شان و جایگاه استادی و کرسی تدریس، صاحب نظر در تحلیل و تبیین شرایط و موضوع به راهبری فکری و شاید از همه مهم تر مدعی اصلاحات در حوزه های مختلف سیاسی، فرهنگی و ... بوده اند. اتخاذ مواضعی که در تعارض با روح و خلاف اصول اصلاح طلبی برآورد شده و می تواند به بروز دغدغه های جدی و احیاناً دلسردی جامعه علاقه مند به اصلاح امور بیانجامد.

همه ما از تمام سلیقه های فکری، زیر نگاه تیزبین مردمی که هر روز و بلکه هر ساعت بر آگاهی و هشیاری آنان افزوده می شود، در آزمون جدی قرار داریم که جز با ایمان حقیقی به آرمان ادعایی و صداقت در مواضع اعلامی، نمی توان از آن پیروز بیرون آمد و البته فراز و فرود در مقبولیت اجتماعی که در رقابت های انتخاباتی ظهور می کند، در این موضوع تاثیر چندانی ایجاد نمی کند.

آنچه معیار است انتظارات بر حق مردمی است که در تلاش برای تغییرات در راستای تحقق وضعیت مطلوب، از شعارها، مواضع، دیدگاه ها و برنامه های متناسب استقبال می کنند. از این رو می توان به روشنی تغییر در رویکرد مردم در گرایش به جریانات سیاسی را دلیل عدم اصالت ذاتی جریانات مذکور دانست و بر لزوم پایبندی آن ها به معیار مورد اشاره تاکید کرد. لذا لازم می دانم مسئولیت عناصر موثر جناح های سیاسی در پایبندی بر پیمان -ولو نانوشته- خود با آحاد جامعه در دفاع از اصول و ارزش های آرمانی و «روشی» را یادآور شوم.

نزدیک بودن برخی از افراد مورد انتقاد به جنابعالی، البته به تنهایی نمی تواند دلیل آن باشد که شما را مسئول اظهارات آنان دانست و بر شما خرده گرفت. بنده نیز از نوشتن این نامه چنین مقصودی را دنبال نمی کنم و حتی از رنجش احتمالی نیز پوزش می خواهم. نیت حقیر پرده برداری از مشکل جدی در جریانی است که ادعای راهبری اصلاحات را دارد و این کار را نه به عنوان

یک اقدام سیاسی متعارف، بلکه از روی خیرخواهی و به خاطر اهمیت این جریان بزرگ و تاثیرگذار در آینده کشور و وضعیت جامعه انجام می‌دهم.

«شوخی شمردن»، «فاجعه دانستن»، «ناپاک خواندن» و از همه عجیب‌تر، القای رد صلاحیت قطعی نامزد رقیب آنهم به گونه‌ای که میل و علاقه شدید به رد صلاحیت، آشکارا از آن استنباط شود، نه امری است که بتوان از آن گذشت و نه می‌توان به هیچ روی با آن سر کرد. تحمل چنین مواضعی و سکوت در برابر آن، مخالف هر میثاق مدنی در هر جای جهان است. آبا آقایان رد صلاحیت را در حق رقیب روا و در حق خود جفا می‌پندارند؟! یا اینکه در تایید صلاحیت نامزد خود به اطمینان رسیده‌اند!!!

شاید وجود غفلت در برخی نیروهای سیاسی در رده‌های پایین‌تر که معمولاً ناشی از غلیان هیجان است، مورد انتظار و درخور اغماض باشد، اما اینکه پرچمداران جریانی خود ناقض اصول مشی منتخب باشند، حتماً نه روا و حکماً که جفا است.

اینجانب قاطبه مردم را ملزم و پایبند به اصولی می‌دانم که اصلاحات را تضمین می‌کند. فلذا، اگر نقض‌کنندگان در غفلت باشند، هر آینه باید که زود هشیار شوند وگرنه از جریان تحولات شتابدار جامعه جا خواهند ماند و ممکن است فرصت جبران را نیز از دست بدهند. گروهی دیگر که بدون باور راستین به مواضع جبهه، می‌کوشند تا با «ویراژ سیاسی» پیشرو جلوه کنند، باید بدانند که ضریب هوشی ایرانیان قابل دور زدن نیست و نجنگان و فرهیختگان ایرانی در داخل و خارج از کشور از کلان شهرهای ایران و جهان تا دورافتاده‌ترین روستاهای این سرزمین، مواضع همه را به دقت رصد می‌کنند.

مشکل جریانات سیاسی آن است که انتخاب مردم را به نام خود می‌نویسند و به آن «کما هو حق» ارج نمی‌نهند. جبهه موسوم به اصلاحات باید به این حقیقت آشکار، به طور جدی اعتنا کرده و از آن غفلت نکند که در اقبال عمومی انتخاباتی، سهم گریز مردم از جبهه یا جناح مخالف، چه بسا بزرگتر از سهم ظرفیت‌های جبهه متبوع باشد.

این حقیر اصراری ندارم که نظرم نزد برادران و خواهران اصلاح طلبی بکلی مقبول افتد، اما یادآوری می‌کنم که غفلت از این مساله، آنچنان که در دو انتخابات سال‌های ۸۴ و ۸۸ اتفاق افتاد، برای آن جبهه و کل کشور از جهت هز رفتن نیروها و ایجاد کشش‌های بازدارنده، خسارت بار بوده است. اصرار دارم سخنی را که درست پس از انتخابات سال ۸۸ عرض کردم و انتشار یافت، با ایمان و باور راسخ‌تر عرض کنم که اقبال عمومی به آقای دکتر احمدی نژاد در هر دو دوره مذکور، گرچه آشکارا کنار گذاشتن گزینه جبهه اصلاحات بود، اما این به معنای پذیرش مواضع جناح و جریان سنتی مقابل نبود.

مایلم با اصرار بر این حقیقت تاکید کنم که اکثریت قاطع مردم در این دو رویداد مهم، با نفی شرایط موجود و با رویکردی بسیار اصلاح طلبانه، از جناح موسوم به اصلاحات عبور کرده و با تایید فهم خویش در انتخابات ۸۴ بر مطالبه اصلاح گرایانه خود در سال ۸۸، پافشاری کردند.

هرچند که متأسفانه بخشی از برادران و خواهران اصولگرای ما، هرگز حاضر نشدند چشم بر این حقیقت بگشایند، مردم جناب آقای دکتر احمدی نژاد را نه به عنوان مظهر اصولگرایی بلکه برای انجام تغییرات بیشتر و اعمال جدی‌تر اصلاحات مورد نظر، مناسب‌تر تشخیص دادند. تحلیل اینجانب از آرای سال ۸۸ این مساله را روشن می‌کند. تحلیل مذکور در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

و اما سخن امروز این است که نباید شیرینی پیروزی قاطع اصلاح طلبان در انتخابات مجلس سال گذشته در تهران، آنان را از درک سهم رای منفی مردم به جناح مقابل (که با نهایت تأسف از گذشته تا امروز به طور پیوسته رو به افزایش بوده است) غافل کند. حقیر نیز با بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی موافقم که عدم شرکت جناب آقای دکتر احمدی نژاد به عنوان نامزد در انتخابات آتی ریاست جمهوری، به جای آنکه فرصتی برای نامزد نهایی اصولگرایان بسازد، موقعیت ویژه‌ای را برای اصلاح طلبان فراهم می‌کرده است و از این جهت شاید بتوان عدم رضایت بخشی از نیروهای اصلاح طلب از نامزدی جناب آقای بقایی که می‌تواند از نظر عموم، از جنس جناب آقای احمدی نژاد و جانشینی مناسب برای ایشان فهمیده شود را درک کرد.

با آزمون بزرگ خواندن این صحنه و درخواست پایبندی همه جریانات سیاسی به اصول رقابت سالم که خود از مطالبات اصلی مردم است، مایلم بر مسئولیت خطیر همگان در احترام به درک و شعور بالای اقشار مختلف جامعه و به ویژه دختران و پسران جوان نوگرا در سراسر کشور تاکید می‌کنم. این یک تکلیف بزرگ فراگیر است و خالی کردن شانه از آن، مسئولیت بزرگی در آینده نزدیک بهمراه خواهد داشت.

در این میان بدون هرگونه تعریضی نسبت به دوستانی که در این نوشتار از آنها انتقاد شده است، به عنوان یک بحث کلی عرض می‌کنم که باید حساب نیروهای مخلص و فداکار از هر جناح و سلیقه سیاسی را از گروهی «کاسب سیاسی» که به هواداران جریانی خود به چشم «مشتری» می‌نگرند جدا کرد.

نگرانی آنان از جابجایی طرفداران قابل درک است. در طرح کلی، کاسب سیاسی و کاسب اقتصادی در دستگاه قدرت و حاکمیت، در یک معادله پویا و فعال «جایگزین پذیر» اند. باید توجه داشت که اشرافی‌گری فقط جنبه اقتصادی ندارد و باید آن را در کنار «اشرافی‌گری سیاسی» دید و تحلیل کرد. پدیده اخیر که تاکنون کمتر و یا شاید هرگز مورد توجه و مداخله قرار نگرفته است، خطری است که ما مدعیان ساده زیستی را نیز به طور جدی تهدید می‌کند. لذا است که در بیان معیار ساده زیستی برای مسئولان اجرایی و حکومتی، علاوه بر ساده زیستی اقتصادی، باید ساده زیستی سیاسی آنان را نیز مورد توجه و بررسی قرار داد.

و اما جان کلام!

سخن به درازا کشیده، لکن تیزبینی جنابعالی مرا از تفصیل بی نیاز می کند که اگر در امتحان مسئولیت پذیری نسبت به جامعه، برخورد سخت نگیریم و بر ساده زیستی سیاسی اصرار نوزیم، در این صورت امر مشتبه شده و از «آشتی ملی»، توافق قدرت مداران جناح ها و نشست مشترک آنان به عنوان صاحبان انقلاب بر سر «سفره» اراده می شود. در این صورت معادله حاکمیت از تنها متغیر اصیل و حقیقی یعنی مردم، مستقل می شود. در این حال کاسیان سیاسی و اقتصادی جدید در سایه توجهات اشراف اقتصادی و سیاسی بر اریکه قدرت تکیه زده، «جوله» خواهند داد و یا «السابقون السابقون» روال موجود را برای خود «فضل خدا» خوانده و منوال را دوام دهند...

در پایان یادی می کنم از پیر طریق انقلاب که هرگز رشتن محبت و عنایتش از مردم نگسست که می فرمود چنین وضعیاتی دیر نخواهد پایید و اگر بموقع هشیار نشویم، در خزان خدا یوم ا بسیار است.

سخنی بود از برادری کوچکتر به برادری بزرگتر که امید است شرط ادب بجا آورده و از حریم حرمت فرا نرفته باشد.

نیک معلوم است که: درد دل را لاجرم پاسخ نباشد، هرچند هرچه از دوست رسد نیکوست.

با تقدیم بهترین احترامات و با تبریک نوروز سراسر نور باستانی!

لطفاً تبریکات صمیمانه اینجانب را به خانواده ارجمند ابلاغ فرمائید.

اسفندیار رحیم مشائی

۲۳/۱۲/۱۳۹۵

منبع/ ایلنا

[برچسب ها: اصلاحات \[1\]](#)

[سیدمحمد خاتمی \[2\]](#)

[انتخابات \[3\]](#)

[احمدی نژاد \[4\]](#)